

۸۶ جایگاه ولایت فقیه در جنبش حزب الله
قبل و بعد از جنگ ۳۳ روزه
اعتقاد عمیق



جهان اسلام



۹۰ جنگ ۳۳ روزه تأثیر بسیاری
در انقلاب‌های منطقه داشت
بیداری پس از جنگ





جایگاه ولایت فقیه در جنبش حزب الله،
قبل و بعد از جنگ ۳۳ روزه

اعتقاد عمیق

محمد مهدی رحیمی

جنبش مقاومت اسلامی لبنان، حزب الله، در سال ۱۹۸۲ با هدف مبارزه علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی و مقاومت تا آزادسازی قدس شریف، تأسیس شد و البته به اقتضای شرایط و در نظر گرفتن بعضی مصالح تا چند سال شکل گیری خود را علنی نکرد. بدون تردید این جنبش که امروز ساختار و حوزه عملکرد و نفوذی فراتر از یک حزب و گروه دارد، در مدتی کمتر از سه دهه فعالیت خود، توانسته است در سیر تحولات و آرایش نیروهای سیاسی در لبنان و حتی منطقه، تغییر انکار ناپذیری ایجاد کند و بسیاری از معادلات را برخلاف خواست و تمایل غرب نشینان به گونه ای دیگر رقم بزند. برای ریشه یابی علل و عوامل سیر موفقیت های حزب الله دلایل مختلفی را باید دخیل دانست و مورد ارزیابی قرار داد؛ لکن بی شک بسیاری از موفقیت های آن در مبانی فکری و اعتقادی این جنبش ریشه داشته و دارد. در این نوشتار تلاش شده است به اجمال موضوع اعتقاد به ولایت فقیه به عنوان یکی از ارکان اصلی مبانی فکری این جنبش و جایگاه کلیدی آن در میان رهبران و اعضای جنبش حزب الله مورد ارزیابی قرار گیرد.

اگر سابقه تشکیل حزب الله و هسته مرکزی مؤسس آن مورد بررسی قرار گیرد با طیفی از افراد مواجه خواهیم شد که هر یک از گروهی جدا شده و البته بعضی هم سابقه جدی فعالیت گروهی و حزبی ندارند اما همه آنها در یک ویژگی مشترک هستند و آن اسلام خواهی و دین مداری است. به بیان روشن تر یکی از وجوه ممیز حزب الله نسبت به گروه های کوچک و بزرگ دیگری که پیش از آن در لبنان شکل گرفته و فعالیت می کردند، تاکید ویژه بر اسلام گرایی و سرلوحه قرار دادن فرامین دینی در تصمیم سازی و اجرای امور بود تا آنجا که بخش قابل توجهی از اعضای اولیه آن را کسانی تشکیل می دادند که پیش از آن در گروه های دیگری اعم از اهل یاسا بعضی جریانات مارکسیستی عضویت داشتند اما به دلیل توجه نکردن جدی مسوولان آن گروه ها به تعالیم و فرامین اسلامی از آن جدا شده و به مرور حزب الله لبنان را شکل دادند. حتی بعضی از آنها همچون حسین موسوی، معروف به ابوهشام پس از جدایی از حزب شیعی امل ابتدا

حزبی دیگر به نام امل اسلامی را به راه انداختند که به زعم خود توجه ویژه و جدی تری به دستورات دینی داشت و سپس در شورای مؤسسين حزب الله جای گرفتند. از سوی دیگر بخش قابل ملاحظه ای از کادر اولیه حزب الله را طلاب جوانی تشکیل می دادند که در لبنان یا عراق به تحصیل علوم دینی پرداخته بودند و پس از بازگشت به وطن هم ارتباط خود را با علما و مراجع حفظ کرده بودند. در این میان نقش مرحوم علامه سید محمد حسین فضل الله بسیار بارز و روشن است. ایشان که از نزدیکان و همدرسان شهید محمد باقر صدر بود پس از سال ها تحصیل و تدریس در نجف سرانجام در سال ۱۹۶۶ به وطن اصلی خود بازگشت و زمینه تاسیس حزب الدعوه لبنان که شاخه ای از حزب الدعوه اصلی شکل گرفته توسط شهید صدر در عراق بود را فراهم کرد. پس از حضور علامه فضل الله در لبنان مسجد و حوزه علمیه ایشان و تا حدی حزب الدعوه، مأمن و ملجاء خیل جوانان شیعه لبنان شد که پیش

خاطره نصر

سال ۲۰۰۰ عرصه به ماتنگ شد و در حزب الله به طور جدی به این جمع بندی رسیدیم که عقب نشینی کنیم. به ایران آمدیم و سه روز با مسوولان ایران مشورت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید عقب نشینی کنیم. خدمت حضرت آقا رسیدیم؛ شرایط را به ایشان توضیح دادم؛ وقتی طرح عقب نشینی را مطرح کردم، آقا فرمودند «شما حق عقب نشینی ندارید؛ بروید مقاومت کنید». وظیفه ما تبعیت بود ولی در دم گفتیم ما شهید می شویم و این جریان می خوابد. نماز ظهر را به امامت آقای خامنه ای خواندیم؛ ایشان بین نماز ظهر و عصر به ما رو کردند و فرمودند: «عقرب شما پیروزی خواهید دید و همه شما در این پیروزی زنده خواهید ماند». این نوید در دل ما بود و به لبنان رفتیم و مقاومت کردیم؛ تا اینکه عقب نشینی فضاحت بار دشمن در سال ۲۰۰۰ اتفاق افتاد. پس از پیروزی دیدم تمام کسانی که در آن دیدار حضور داشتیم، زنده ایم. خاطره ای از سیدحسن نصرالله

بین المللی خصوصاً درباره موضوع مقاومت اسلامی را نشان می داد.

جالب اینکه بعضی از نکات مطروحه «سید» برای اولین بار بیان می شد و پیش از آن طبقه بندی محرمانه یا سری داشت مانند آنچه درباره نامه مفصل مقام معظم رهبری در ابتدای جنگ ۳۳ روزه گفت. اگر چه سخنان نصرالله کنایه ای ظریف هم به ایرانی ها داشت؛ آنجا که گفت: «حقیقت آن است که ما در برابر شخصیتی عظیم و استثنائی هستیم. ولی می بینیم بسیاری در این امت از ایشان چیز زیادی نمی دانند و احساس می کنیم که این امام و این رهبر چقدر در امت خویش و حتی، با پوزش از برادران ایرانی، در ایران مظلوم و تنهاتست؛ حتی در جنبه آشکار و روشن شخصیتش یعنی جنبه رهبری و سیاسی که در قالب رهبری بیست و دو ساله امت تجلی یافته. شما در حقیقت در برابر شخصیتی قرار دارید که به معنای واقعی کلمه، دشمنان وی را محاصره کرده اند و دوستان حقش را ادا نمی کنند. دشمنان محاصره اش کرده اند و مانع رسیدن حقیقت و نور وی به جهان و امت می شوند، دوستان هم که حقش را ادا نمی کنند.»

سخناتی از این دست که تاکنون از نصرالله و دیگر مقامات حزب الله در مجامع رسمی یا خصوصی گفته شده یا به نگارش درآمده خود دلیلی روشن و مبرهن بر تأثیر پذیری این جریان از ولی امر مسلمین است. نیاز به گفتن نیست که این رابطه دوسویه بوده و مقامات ایران و شخص حضرت آیت الله خامنه ای در مواقع مختلف و لحظات حساس به حمایت از این جریان پرداخته اند.

جنگ ۳۳ روزه و پرونده ترور رفیق حریری و حاشیه سازی های بین المللی که غربی ها علیه حزب الله به راه انداختند از آخرین نمونه هایی است که مقام معظم رهبری و سایر مجموعه های تحت امر به دفاع تمام قد از مقاومت اسلامی اقدام کردند. اگر چه همان طور که گفته شد رهبران و کادر حزب الله هم در قول و فعل قدران این حمایت ها بوده اند. تا آنجا که پس از آزادسازی لبنان توسط حزب الله و انتخاب سیدحسن نصرالله به عنوان مرد سال و محبوب ترین چهره جهان عرب، وی در اولین حضور رسمی اش در تهران و در کنفرانس حمایت از فلسطین در مقابل چشم شرکت کنندگان و صدها شبکه رسانه ای بر دستان ولی فقیه و رهبرش بوسه زد و بعدها در پاسخ به چرایی چنین اقدامی، علت را این گونه عنوان کرد: «من دستان ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای را می بوسم و به این بوسه افتخار می کنم و خود را سربازی کوچک برای ایشان می دانم... من این کار را عمداً و البته با کمال اخلاص انجام دادم. من می خواهم این پیام را به همه بدهم که رهبر ما ایشان است... این کار را انجام دادم تا به همه کسانی که مرا می شناسند بگویم: من سرباز رهبر انقلاب هستم.»

۱۹۸۵ آنان اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه را در اساسنامه شان گنجانده و منتشر کردند. در تمامی سال هایی که از تشکیل حزب الله می گذرد ارتباط تشکیلاتی و هدفمند با ولی فقیه در اندیشه رهبران و مسوولان آن وجود داشته و در عمل آنها هم به عینه مشاهده شده است.

شیخ نعیم قاسم، جانشین دبیر کل حزب الله می نویسد: «درباره چگونگی ارتباط با ولی فقیه، حزب الله به پایبندی به ولایت فقیه و فعالیت در دایره اسلام و اجرای احکام آن و رفتاری که در چهارچوب دیدگاه و قواعدی که ولی فقیه آن را ترسیم می کند، معتقد است. بدیهی است که مدیر بیت، پیگیری، همگامی با جزئیات و امور تفصیلی، اتخاذ تدابیر مناسب، فعالیت سیاسی روزمره، حرکت فرهنگی و اجتماعی و حتی جهاد علیه اشغالگران صهیونیستی و جوانب گوناگون آن بخشی از مسوولیت رهبری منتخب از سوی کادرهای حزب است. همچنین براساس آیین نامه های داخلی موصوب است که در شورای مرکزی حزب و در رأس آن دبیر کل تجلی یافته است که مشروعبیت خود را از ولی فقیه کسب می کند و دارای اختیارات وسیعی است که به آن تفویض شده است تا در انجام دادن مأموریت ها، این شورا را یاری کند. این اختیارات متضمن استقلال وسیعی در اقدامات اجرایی است، به گونه ای که نیازی به پیگیری مستمر و روزمره ولی فقیه نباشد.»

اگر چه به واسطه نوع فعالیت حزب الله و حساسیت هایی که وجود دارد بیان تمامی ارتباطات و تأثیر پذیری های آن از ولی فقیه چه در زمان امام روح الله^(۳) و چه در زمان حضرت آیت الله خامنه ای امکان پذیر نیست اما به فراخور ایام و شرایط، گاهی گوشه ای از آن هویدا شده و بیان گردیده است.

آخرین مورد از این دست سخنان حکیمانه و استثنائی دبیر کل بی بدیل حزب الله، سیدحسن نصرالله، در تیرماه سال ۱۳۹۰ و در همایش بین المللی اجتهاد و نوآوری در دیدگاه آیت الله خامنه ای در بیروت (برگزاری چنین همایش ویژه و بی نظیری از سوی موسسات علمی وابسته به حزب الله خود دلیلی بر اهمیت جایگاه ولی فقیه در نزد آنان است) بود که حاوی نکات بدیع و نغز فراوانی است.

وی در ابتدای سخنانش به سابقه دیرینه آشنایی و ارتباط نزدیکی با حضرت آیت الله خامنه ای اشاره کرد و گفت آنچه را که از من می شنوید، سخنان یک کارشناس است که حاصل سال ها ارتباط و تعامل با شخصیتی استثنائی را به شما ارائه می دهد و حرف های احساسی نیست. سپس چندین شاهد مثال را بیان کرد که هر یک نمونه ای از نظرات و پیش بینی های دقیق و حساب شده مقام معظم رهبری در خصوص مسائل و تحولات

از آن از فقدان این گونه اماکن و افراد تأثیر گذار رنج می بردند و همین جوانان بودند که بعدها در رده های مختلف حزب الله نقش آفرینی کردند و حماسه ها آفریدند. از همین روست که بسیاری علامه فضل الله را پدیر معنوی جنبش مقاومت اسلامی لبنان می دانند.

نکته مهم در این میان این است که شهید صدر در تئوری خود برای حکومت داری به بحث «حکومت مرجع تقلید» می پردازد و آن را مدل برتر و پیشنه ای خود برای اداره جامعه اسلامی معرفی می کند. این مدل شباهت بسیاری با «حکومت ولی فقیه» که در همان ایام از سوی حضرت امام خمینی^(۴) و اتفاقاً در همان نجف مطرح می شود، دارد و به واسطه ارتباط نزدیک علامه فضل الله با شهید صدر، اطرافیان و مرتبطین علامه در لبنان هم با این نظریه آشنا می شوند.

مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شیعیان لبنان که تا آن هنگام با سخت ترین شرایط اجتماعی و اقتصادی در کشورشان روبرو بودند، جانی دوباره گرفته و روح امید در کالبدشان دمیده شد و از همان زمان به اشکال مختلف ارتباطاتی را با مسوولان و نهادهای انقلابی ایران برقرار کردند. همزمان با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال بخش اعظمی از خاک این کشور، این ارتباط شکل جدی تری به خود گرفت و سرانجام سنگ بنای مقاومت اسلامی لبنان گذاشته شد و حزب الله متولد شد.

از همان ابتدای کار همه مجموعه های کوچکی که اکنون در کنار هم حزب الله را شکل داده بودند مرام نامه ای را به نگارش درآوردند که در آن تبعیت از دستورات قرآن کریم و معصومین^(۵) و عمل به فتوای مراجع تقلید را سرلوحه فعالیت های خود معرفی کرده بودند.

مدتی پس از تشکیل شورای رهبری مقاومت لبنان، اعضای آن به ایران آمده و امام خمینی^(۶) را در جماران ملاقات کردند. در آن دیدار که سیدحسن نصرالله هم حضور داشت، سیدعباس موسوی که بعدها دبیر کلی حزب الله را برعهده گرفت، گزارشی از اوضاع لبنان و کارهای انجام شده توسط مقاومت اسلامی را خدمت امام^(۷) ارائه کرد. امام در آن دیدار سخنان مهمی را بیان فرمودند که در آینده نقشه راه حزب الله قرار گرفت. از جمله فرمودند: «بر شماست که از صفر شروع کنید شرایطتان از شرایط مادشوارتر نیست... مهم عمل است، شما در مرحله ای کربلایی قرار دارید، توقع نداشته باشید که ثمره عملتان را در دوران حیات خود ببینید.»

پس از آن دیدار امام^(۸) نماینده ویژه ای را برای ارتباط با حزب الله انتخاب نمودند و بدین ترتیب ارتباط با ولی فقیه و تبعیت از نظرات او در دستور کار مقاومت اسلامی لبنان قرار گرفت تا آنجا که بعد از اعلام موجودیت رسمی حزب الله در سال

حقیقت آن است که ما در برابر شخصیتی عظیم و استثنائی هستیم. ولی می بینیم بسیاری در این امت از ایشان چیز زیادی نمی دانند و احساس می کنیم که این امام و این رهبر چقدر در امت خویش و حتی، با پوزش از برادران ایرانی، در ایران مظلوم و تنهاتست؛ حتی در جنبه آشکار و روشن شخصیتش یعنی جنبه رهبری و سیاسی



نیم نگاهی به زندگی سخت مردمان جنوب لبنان بعد از جنگ ۳۳ روزه

زندگی همچنان جاری است

محمدعلی خبیر

همه چیز از آنجا شروع شد که رژیم صهیونیستی باید امنیت داشته باشد؛ تمام و کامل، هیچ کشور و گروهی حق تهدید یا جسارت به این سرزمین غصب شده را ندارد؛ چه مسلمان باشد و چه مسیحی. به هزار بهانه واهی جنگ ۳۳ روزه لبنان در ماه تموز (مرداد ماه) سال ۲۰۰۶ به بهانه عقب راندن مقاومت اسلامی و نیروهای حزب الله به پشت رودخانه لیطانی در جنوب لبنان و به امید اینکه دیگر موشک‌های این گروه مبارز به سرزمین‌های اشغالی نرسد، شروع شد. از زمین، هوا و دریا، ظاهر امر این بود که مانع و سیستم دفاعی قابل توجهی وجود ندارد و ژنرال‌های خیالی رژیم صهیونیستی به امید اینکه دوباره در بیروت با هم پیمانان خود فروخته خویش جشن پیروزی بگیرند و واقعه سال ۱۹۸۲ را تکرار کنند، راهی مناطق مرزی و جنوبی لبنان شدند.



چند روز اول جنگ و درگیری همه چیز خوب پیش می‌رفت. آمریکا از عملیات‌های هوایی و زمینی ارتش به اصطلاح شکست‌ناپذیر صهیونیستی بسیار راضی به نظر می‌رسید. شهر خیام که یک شهر مرزی و کاملاً مشرف به شهرهای صهیونیستی بود در همان چند روز اول جنگ به کلی ویران شد. بیش از هزار خانه در یک شهرستان کوچک به کلی از بین رفت.

در ابتدای امر نیروی هوایی رژیم صهیونیستی با جنگنده بمب‌افکن‌های f16 و f22 خود به راحتی و بدون هیچ گونه درگیری تمام منازل، دفاتر و موسسات حزب الله و بهتر بگوییم شیعیان لبنان را هدف قرار می‌داد در حقیقت مراسم شیعه کشان آغاز شده بود. بعلبک در شرق لبنان، شهرهای خیام، صور، بنت جبیل، نبطیه در جنوب و ضاحیه در بیروت همگی به شدت توسط نیروهای مهاجم بمباران و تخریب شدند. حالا مانده بود ورود بی‌دردسر نیروهای زمینی یا تانک‌های به ظاهر فوق مدرن و پیشرفته میرکاو!

هفته دوم جنگ همه سردرگم به شکست‌ها و تلفات سنگین نیروی زمینی صهیونیستی چشم دوخته بودند. کم کم داشت همه چیز معکوس می‌شد. تانک‌های عجیب و غریب و فول‌توماتیک صهیونیستی یکی یکی هدف موشک‌های مالیوتکای نیروهای مقاومت قرار می‌گرفت. در هفته چهارم، بالاخره با هزاران خانه ویران شده در لبنان و نزدیک یک و نیم میلیون مردم آواره، از طرف رئیس‌جمهور آمریکا جورج دبلیو بوش و به تبع آن روسای نژادپرست صهیونیسم اعلام آتش‌بس شد.

حالا مقاومت مانده بود تنها با آوارگان و خانه‌های تخریب‌شده، جاده‌ها و پل‌های درهم خردشده و نزدیک به ۱۵۰۰ شهید آن هم در جنگی کاملاً نابرابر با قوی‌ترین ارتش منطقه. ولی مقاومت سرفراز بود؛ از آنجا که بار دیگر اجازه وارد شدن و تصرف اراضی لبنان را به نیروهای متخاصم نداده بود، که همین افتخاری بود بس بزرگ.

بلافاصله جشن پیروزی و مقاومت آغاز شد. مردم دسته‌دسته به منازل و ساختمان‌های ویران شده خویش برگشتند. مردم جنوب به هر زحمت و سختی‌ای که بود خود را به مناطق مرزی و روستاهای خود رساندند. نه برقی و آبی بود و نه جاده درست و حسابی و نه حتی درمانگاهی. همه چیز از بین رفته بود. حجم تخریب در جنوب به علت مجاورت با شهرک‌های صهیونیستی بیشتر بود.

تازه در دسرهای مردم شروع شده بود. تمام زندگی، خانه و اسباب و اثاثیه آنها از بین رفته بود. از هر خانواده‌ای دست کم دو تا سه نفر شهید شده بودند. برخی‌ها از ترس اینکه امکان درگیری و جنگ دوباره‌ای وجود دارد، حاضر نبودند به همین راحتی و به سرعت به خانه‌ها و مناطق شیعه‌نشین برگردند. مناطق مسکونی ضاحیه در بیروت تبدیل به تپه‌هایی از خاک و ویرانه‌هایی شده بود که تمام خیابان‌ها و

مسیرهای رفت‌وآمد را بسته بودند. محله‌ها به آسانی قابل شناسایی و تشخیص نبود. صهیونیست‌ها از بمب‌های ضعیف اتمی استفاده کرده بودند. متأسفانه منطقه به مواد رادیو اکتیو آلوده شده بود. در بسیاری از مناطق بمب‌های خوشه‌ای عمل نکرده به تعداد میلیون‌ها عدد پراکنده شده بود؛ یعنی حتی چند برابر مردم ساکن در کل لبنان؛ در مزارع و کشتزارها، باغچه‌های منازل، جاده‌ها و مسیرهای خاکی. تا همین الان که نزدیک به پنج سال از آن زمان گذشته همین بمب‌های خوشه‌ای هنوز تلفات می‌گیرد؛ چیزی که کوچک است و شکلی عجیب و غریب دارد و به همه چیز شبیه است جز بمب.

۳۳ روز جنگ نابرابر و نفس‌بر. ۱۵۰۰ شهید. نزدیک به ۴ هزار خانه ویران شده. یک میلیون آواره که برخی تمام هستی و خانواده و خانه خود را از دست داده‌اند و درگیری مستقیم با جنگ داشتند.

چه کسی است که برای آنان تسکینی باشد. آنجا نه پول نفتی وجود دارد و نه معادن و ذخیره‌های چند میلیارد متر مکعبی گاز. تنها درآمد این مردم شاید از طریق توریست باشد که پول آن هم بیشتر به جیب مسیحی‌ها و مناطق خوش آب و هوای شمال لبنان می‌رود.

اینجا شیعه مظلوم مانده و دردمند. اگر نبود غیرت مومنین حزب الله و جسارت و شجاعتشان، شک نکنید که همین کشور بسیار کوچک که مساحت آن کمتر از مساحت استان سمنان است، تاکنون صد پاره و صد تکه و جولانگاه پایگاه‌های نیروی دریایی آمریکا و رژیم صهیونیستی شده بود.

الان در لبنان مشکلات بسیاری وجود دارد. دولت که تازه راه افتاده، آن قدر آمریکا و متحدانش بر سر سیاستمداران لبنانی و مزدوران خود زدند تا این دولت تشکیل نشود. اما به مقصودشان نرسیدند و میقاتی دولتشان را تشکیل داد. الان هم بعد از سال‌های سال دولتی روی کار آمده که ادعای کند می‌خواهد برای لبنانی‌ها کار کند؛ برای مردم، برای محرومان و مستضعفان. نه صرفاً برای گروه‌ها و حزب‌های مزدور داخلی که اغلب آنها پول تشکیلاتشان از دلارهای نفتی عربستان سعودی و شرکت‌های آمریکایی تأمین می‌شود.

سابقه نداشته که سالی و ماهی و فصلی در لبنان بحرانی وجود نداشته باشد. تعجب همه این است که واقعا این دولت می‌تواند و خواهد توانست به وظایف خود عمل کند. باید منتظر بحران جدیدی بود. صهیونیست‌ها هیچ وقت امنیت و ثبات لبنان و منطقه را نخواسته و نخواهد خواست.

اما این وسط می‌ماند جمعیت اکثریت شیعه لبنان. آنهایی که پیرو انقلاب اسلامی هستند. آنهایی که درآمد اغلب‌شان در ماه کمتر از ۶۰۰ هزار تومان خودمان است. آنهایی که اغلب در روستاها و شهرهایی زندگی می‌کنند که کار و صنعتی نداشته و ندارد.

الان در این پنج سال توان بازدارندگی و همین طور

از هر خانواده‌ای دست کم دو تا سه نفر شهید شده بودند. مناطق مسکونی ضاحیه در بیروت تبدیل به تپه‌هایی از خاک و ویرانه‌هایی شده بود که تمام خیابان‌ها و مسیرهای رفت‌وآمد را بسته بودند. محله‌ها به آسانی قابل شناسایی و تشخیص نبود. صهیونیست‌ها از بمب‌های ضعیف اتمی استفاده کرده بودند. متأسفانه منطقه به مواد رادیو اکتیو آلوده شده بود

تهاجمی حزب الله و نیروهای مقاومت صد برابر شده است. بسیاری از خانه‌ها ساخته شده ولی هنوز کم است. هنوز خیلی‌ها دوباره بر سر خانه و کاشانه قبلی خود برنگشته‌اند. زندگی در لبنان و مناطق شیعه‌نشین جاری است ولی به سختی. آنهایی که می‌گویند ایران به لبنانی‌ها پول می‌دهد و کمک مالی زیادی می‌کند باید بدانند هیچ کس حاضر نیست برای ملت دیگر و مردمی که چند هزار کیلومتر از سرزمین آنها دورتر هستند و در کمال آسایش و آرامش زندگی می‌کنند به خاطر پول بچنگد و کشته شود و خانه‌اش ویران و خانواده‌اش آواره گردد. تنها تفکر می‌تواند مرهم تمام این دردها و رنج‌ها باشد. مومنین برای رضای خدا جهاد و مبارزه می‌کنند. مگر اینکه آن مردم از کسانی باشند که مانند اوایل انقلاب مافکر می‌کنند و اینار و از خودگذشتگی نشان می‌دهند و به ولایت فقیه و رهبر فرزانه خویش ایمان و اعتقاد و باور دارند.

قصه حزب الله و پیروزی اسلام مکتبی و اسلام ناب محمدی تازه آغاز شده است. هنوز ضاحیه شیعه‌نشین پر است از جاسوس‌های اردنی و عراقی و فلسطینی که برای سفارخانه‌های آمریکا و برخی کشورهای عربی که بر ضد حزب الله جاسوسی می‌کنند.

آنجا همه به راحتی می‌دانند که تمام سفارخانه‌های عربی در بیروت مأموریت دارند که هر جا سیدحسین نصرالله را دیدند فوراً ترور کنند. دیگر نیازی به دستور و فرمان نیست. می‌خواهند ریشه انقلاب اسلامی را در لبنان بخشکانند ولی نمی‌شود. حماسه نیروهای مردمی مومن و همیشه مبارز حزب اللهی تازه سرآغاز فصلی است برای سایر مبارزان و انقلابیون کشورهای عربی منطقه. ▲





کشور لبنان ۴/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که اغلب آن از چهار گروه مسیحی، شیعی، اهل تسنن و دروزی‌ها تشکیل می‌شود و از این بین شیعیان یک سوم جمعیت کل لبنان را دربر می‌گیرند که حزب‌الله بر گرفته از بخشی از شیعیان لبنان است. البته از دیگر مذاهب و ملل نیز در آن عضویت دارند.

در جنگ ۳۳ روزه ارتشی که خود را ارتش چهارم جهان می‌نامد و دارای تجهیزات نظامی بسیار زیاد بوده و نیز از حمایت کامل غربی‌ها برخوردار بود و در طول سالیان دراز در جنگ با اعراب، خواب را از چشم حکامشان ربوده بود، در مقابل این جریان خوار و ذلیل می‌گردد.

دلیل شکست کشورهای عربی و پیروزی حزب‌الله در مقابل رژیم منحوس صهیونیستی، به اختلاف در ماهیت آنان بازمی‌گردد. کشورهای عربی در آن زمان، تنها منافع خودشان برای شان اهمیت داشت و جنگ‌شان در برابر رژیم صهیونیستی، نه برای عدالت، بلکه برای امنیت و منافع خود بود و معمولاً در هر یک از این کشورها یا غرب یا شرق نقش ایفا می‌کردند و در واقع این کشورها حافظ منافع اربابان خود بودند.

اما حزب‌الله از ابتدا با رویکردی متفاوت و با تکیه بر گفتمان ولایت فقیه تأسیس شد. این جریان تکیه‌اش بر انقلابی بود که نه بر شرق استوار بود نه بر غرب. پیام رسالت این جریان، رسالتی علیه اشغال‌گران خارجی است که هدفش مقاومت مقابل تجاوز برای آزادی سرزمین است. در این چهار چوب فرهنگ مقاومت شکل گرفته و ایثار و فداکاری در آن معنا پیدا می‌کند و این همان چیزی است که کشورهای عربی در جنگ مقابل رژیم صهیونیستی فاقد آن بودند. در واقع عدالت سرلوحه کارهای حزب‌الله قرار داشت و برای عدالت حاضر شدند از امنیت خود نیز بگذرند.

تأسیس این حزب مقارن بود با اشغال یک سوم از خاک لبنان توسط نیروهای اشغالگر خارجی، بنابراین باز پس‌گیری خاک لبنان یکی از اولویت‌های اصلی‌شان قرار گرفت. این بار حزب‌الله - برخلاف جنگ‌های گذشته اعراب - توانست با فداکاری و ایثار و از خودگذشتگی در مقابل رژیم جعلی صهیونیستی ایستادگی کند و حقانیت خود را به اثبات برساند.

در جنگ‌های مختلفی که حزب‌الله با رژیم صهیونیستی داشت، پیروزی‌هایی عاید حزب‌الله و بخش‌های زیادی از خاک لبنان آزاد شد، اما در هیچ کدام از جنگ‌ها، مانند جنگ ۳۳ روزه، صهیونیست‌ها این گونه خوار و ذلیل نشده بودند، به طوری که انگشت حیرت را بر دهان همگان افکند، علی‌الخصوص سران کشورهای عربی و وابستگان به آمریکا که در این جنگ، به طور ناباورانه‌ای پشت حزب‌الله را خالی کردند و پنهانی به رژیم منحوس صهیونیستی دست دادند.

جنگ ۳۳ روزه تاثیر بسیاری در انقلاب‌های منطقه داشت

بیداری پس از جنگ

▲ مه‌مند حامد ▲

اگر به خاورمیانه عربی نگاه کنیم، حزب‌الله لبنان جنگ‌های متعددی با رژیم صهیونیستی داشته و این در حالی است که بسیاری از کشورهای عربی نیز با این رژیم در جنگ بودند اما در اکثر آنها شکست خورده و بخش‌هایی از سرزمین یا هویت و اتحاد خود را از دست داده‌اند.

در سال ۱۹۸۲ رژیم صهیونیستی با حمله به لبنان در عملیاتی با عنوان «صلح برای الجلیل» که با پشتیبانی غربی‌ها بود، بخش‌هایی از جنوب لبنان را تصرف کرد. در همین حال جریانی متفاوت در لبنان با نام «حزب‌الله» و با تأثیر از انقلاب اسلامی ایران و ایدئولوژی بنیانگذار کبیر آن، حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) تشکیل شد و از این پس نام این جریان با موفقیت‌هایی که به دست آورد به تدریج در افکار عمومی جای خود را پیدا کرد.

از طرفی دیکتاتورهای کشورهای عربی نه تنها امتحان خود را در حفظ استقلال کشورشان در مقابل بیگانه بد پس دادند، بلکه خود آنها نیز عزت مردم را مورد اهانت قرار داده و به آنها ظلم می‌کردند. بر این اساس سالیان دراز است که کشورهای عربی هویت نداشتند، جوانان آنها احساس بی‌هویتی می‌کردند، حکامشان افرادی وابسته و دارای خانواده‌ای فاسد بودند. در عین حال دیدند گروهی را که با الگو قرار دادن امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران چگونه بر دشمنی که ۶۰ سال نتوانسته بودند آنها را شکست دهند، پیروز شدند.

گفتمان برتر

پس از جنگ ۳۳ روزه دیگر بر هیچ کس در هیچ نقطه‌ای از خاورمیانه پوشیده نماند که تفکر و ایدئولوژی حزب الله که همان گفتمان انقلاب اسلامی است بر دیگر اندیشه‌ها، جریان‌ها و چپاول‌گری‌ها برتری دارد. تنها با اسلام و اسلام‌گرایی ضد غربی می‌توان عزت و استقلال یک کشور را به دست آورد و حضور عوامل آمریکا در رأس قدرت تنها عامل زبونی مردم خاورمیانه است.

می‌شود و این تفکر در جهان عرب ناشی از پیروزی حزب‌الله است. این جنگ نشان داد که یک جریان بر اساس ایمان و باور درونی چطور می‌تواند بر یک ارتش دولتی که به زعم خود جایگاه چهارم را در جهان داراست، غلبه پیدا کند. تا قبل از آن باور این که رژیم منحوس صهیونیستی شکست‌پذیر است، در اذهان مردم عرب بسیار سخت بود اما مقاومتین حزب‌الله نشان دادند رژیم صهیونیستی نه تنها در جنگ نظامی شکست‌پذیر می‌باشد، بلکه از درون هم قابل متلاشی شدن است. در واقع حزب‌الله نه تنها ارتش رژیم اشغال‌گر صهیونیستی را شکست داد، بلکه باعث شکست حزب کارگر در فضای سیاسی داخل این رژیم غاصب شد.

سران این رژیم ادعای مضحکی مبنی بر پیروزی در جنگ ۳۳ روزه دارند که اگر این گونه بود چرا در حین جنگ چندین مسئول ارشد رژیم صهیونیستی استعفا دادند و مهم‌تر از اینها گزارش کمیته وینوگراد رژیم صهیونیستی بود که با گزارش‌های ناشیانه یکدیگر را به مقصر بودن در این شکست متهم می‌کردند. البته سید حسن نصرالله این گزارش را نمادین توصیف کرد و اعلام کرد: «تصمیم جنگ ۳۳ روزه اخیر نه در تل‌آویو بلکه در واشنگتن گرفته شد و این جنگ با همدستی آمریکا، رژیم صهیونیستی و با همکاری برخی کشورهای عربی و طرف‌های لبنانی صورت گرفت» که این سخن میزان نفرت از سران کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی و مصر و همچنین آمریکا را در بین مردم خاورمیانه افزایش داد.

رژیم صهیونیستی پس از آنکه در جنگ نظامی تحقیر شد، از جنگ نظامی به اقدامات امنیتی تغییر راهبرد داد که البته در این نوع از عملیات هم ناکام ماند و حتی در طول جنگ نتوانست یکی از شخصیت‌های اصلی حزب‌الله را مورد هدف قرار دهد.

مجموع این عوامل باعث شد تا مردم دیگر کشورهای عربی نیز به خود بیایند و با الهام از مقاومت اسلامی در منطقه، عزت از دست رفته خود را باز پس گیرند. کما اینکه سید حسن نصرالله در تاریخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۲ گفت: «پیروزی مقاومت در تجاوز ژوئن گذشته بر رژیم صهیونیستی تنها پیروزی سلاح نبود، بلکه پیروزی فرهنگ، تفکر، عزم و اراده مقاومت نه در سطح لبنان و جهان عربی و اسلامی بلکه در سطح کل جهان بود.»

در ادامه این خیزش‌ها امروز می‌بینیم که جوانان تونس به دنبال تشکیل حزب‌الله تونس هستند تا بتوانند همانند حزب‌الله لبنان برای عدالت بجنگند و حتی از امنیت و منافع خود بگذرند. شایان ذکر است مجموع پیروزی‌های حزب‌الله نیز با تکیه بر اصل ولایت فقیه بوده و در پابندی به ولایت فقیه پیروزی‌هایی این گونه و بیش از این در پی خواهد داشت ان‌شاءالله. ▲



رهبران مقاومت اسلامی و حزب‌الله به عنوان رهبران محبوب جهان عرب شناخته شدند و در عین حال حاکمان سازش‌گر کشورهای عربی جزو منفورترین شخصیت‌ها شدند. کما اینکه نظرسنجی مرکز سایان وابسته به مؤسسه بروکلین واشنگتن که در شش کشور صورت گرفت، نشان داد که سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله محبوب‌ترین رهبر جهان عرب است. نظرسنجی مذکور نشان می‌دهد ۹۸ درصد از شیعیان لبنانی نیز اعتقاد دارند رژیم صهیونیستی از آنچه سعی می‌کند نشان دهد بسیار ضعیف‌تر است و به پایان خود نزدیک‌تر

لذا تصمیم گرفتند بر خود و باورهای دینی خود متکی شوند. به جرأت می‌توان گفت بعد از پیروزی عظیم حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، کار دیکتاتورهای سران عربی تمام شده بود و مردم به این باور رسیده بودند که باید علیه حکومت‌های شان قیام کنند و وضعیت این کشورها از بعد از پیروزی حزب‌الله همانند آتش زیر خاکستر بود. از بعد جنگ ۳۳ روزه مردم کشورهای عربی کم‌کم به هویت جدیدی دست یافتند و از حالت سردرگمی و بی‌الگویی خارج شدند.



نگاهی به زمینه‌سازی صهیونیست‌ها برای جنگ ۳۳ روزه و تحت فشار گذاشتن حزب الله برای خلع سلاح

پشت پرده یک ترور

حسین رستمی

حکم دادگاه ترور رفیق حریری - نخست‌وزیر اسبق لبنان - سرانجام نه تیرماه و همزمان با تصویب بیانیه وزارتی دولت جدید به ریاست نجیب میقاتی منتشر شد و چهار نفر از اعضای حزب الله به دخالت در این ترور متهم شدند. دادخواست اولیه دادگاه حریری علیه حزب الله قرار بود سال گذشته صادر شود ولی این اقدام به تعویق افتاد. اگر نگاهی گذرا به گذشته این پرونده بیندازیم به اهداف پشت پرده طراحان این ترور پی می‌بریم.

تمامی گروه‌های سیاسی لبنان خواهان مجازات عاملان ترور رفیق حریری هستند. حتی حزب الله لبنان و متحدانش در لبنان بارها بر کشف حقایق و مجازات عاملان این جنایت تاکید کرده‌اند.

نقطه اختلاف تمامی گروه‌های سیاسی در لبنان نحوه رسیدگی به این پرونده به دور از سیاسی کاری است. در واقع انحرافات دادگاه حریری کانون اختلاف در لبنان شد. از دید تحلیلگران سیاسی در حالی کیفرخواست دادگاه بین‌المللی ترور حریری صادر شد که هنوز این دادگاه به بررسی پرونده کسانی که باعث انحراف در مسیر دادگاه شدند، اقدام نکرده و همین امر سوال‌های بسیاری را در مورد صلاحیت این دادگاه در اذهان ایجاد کرده است.

اکنون این سوال مطرح است که با گذشت شش سال از ترور رفیق حریری چه کسانی از این ترور سود بردند؟ متهم اصلی ترور کیست؟ در ابتدا انگشت اتهام به سوی مقامات ارشد سوریه نشانه رفت و دمشق را به دخالت در این ترور متهم کردند. نتیجه آن شد که ارتش سوریه در سال ۲۰۰۵ خاک لبنان را که به موجب توافقنامه طائف و برای جلوگیری از وقوع جنگ داخلی در این کشور مستقر شده بود، ترک کرد. در واقع این اتهام پایانی بود بر حضور ۲۹ ساله نظامیان سوریه در خاک لبنان. برافروختن خشم عمومی علیه سوریه در لبنان، اخراج نیروهای سوری از لبنان، انداختن مسئولیت ترور بر دوش سوریه با هدف محکومیت بین‌المللی آن و تحمیل تحریم‌های بین‌المللی بر این کشور، تضعیف قدرت لبنان و رها کردن آن در برابر حملات رژیم صهیونیستی با خروج نیروهای سوری از جمله

اهداف اصلی طراحان این ترور و متهم کردن سوریه به دخالت در این ترور بودند. دکتر طلال عتریبی - استاد علوم اجتماعی دانشگاه لبنان - در گفت‌وگو با شبکه خبری المنار درباره دلایل سیاسی بودن حکم این دادگاه بر این باور است که بدون متهم کردن سوریه به دست داشتن در ترور حریری امکان اخراج این کشور از لبنان وجود نداشت.

با مطالبی که عنوان شد نمی‌توان گفت که سوریه از این ترور سود برده و در آن دخالت داشته است. بنابراین باید دنبال کسانی بود که از این ترور نفع برده‌اند. سعد حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان و پسر رفیق حریری پس از گذشت چندین سال به بی‌گناهی سوریه اذعان کرد. وی در گفت‌وگو با روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق الاوسط ضمن تایید سخنان سیدحسن نصرالله درباره منحرف شدن این پرونده از مسیر اصلی خود و نقش شاهدان دروغین در آن گفت: «کسانی هستند که تحقیقات را گمراه کردند، اینها به سوریه و لبنان و نیز به ما به عنوان خانواده حریری آزارهایی رساندند. اینها روابط بین دو کشور (سوریه و لبنان) را خراب کردند و دست به این ترور سیاسی زدند.»

سخنان حریری اشاره دارد به نقش شاهدان دروغین در پرونده ترور رفیق حریری. براساس شهادت دروغین، چهار نفر از افسران ارتش لبنان به اتهام دخیل بودن در موضوع ترور به زندان افتادند ولی سرانجام با آشکار شدن شهادت دروغ، این افسران آزاد شدند و بی‌گناهی آنها ثابت شد.

اکنون این سوال مطرح است که بعد از اتهام زنی به سوریه، طراحان این سناریو چه اهدافی را از طرح

شاهدان دروغین

بسیاری در لبنان خواهان آن هستند که قبل از هر کيفرخواستی باید پرونده شاهدان دروغین مورد رسیدگی قرار گیرد. تکیه بر شاهدان دروغین در متهم کردن سوریه، برخورد نکردن با این شاهدان که جریان پرونده را منحرف کرده بودند، ایراد اتهام به حزب الله بدون شواهد و دلایل مستند، بی توجهی و عدم رسیدگی به مدارک و شواهدی که رژیم صهیونیستی را متهم به دست داشتن در این ترور می کند، درز اطلاعات و تحقیقات به خارج دادگاه و نیز عملکرد شبه جاسوسی اعضای کمیته تحقیق دادگاه؛ همه نشانه هایی مبنی بر سیاسی کاری دادگاه بین المللی ترور حریری است.

مشخص است؛ روند تحولات منطقه و اسناد موجود نشان می دهد که این ترور کاملاً در راستای منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی است و اگر این دو طرف، طراح و مجری اصلی آن نباشد، قطعاً در روند اجرای آن دست داشته یا از آن اطلاع داشتند.

هفته نامه فلسطینی المنار نیز اخیراً نوشت که کيفرخواست دادگاه ترور حریری بنا به دستور تیم ویژه اطلاعات آمریکا و با هدف ضربه زدن به سوریه و سرگرم کردن حزب الله صورت گرفته است.

از دید کارشناسان سیاسی، این دادگاه موضوع ترور رفیق حریری را به اینجا ختم نکرده و این پرونده را برای فشار بر کشورهای محور مقاومت بازگذاشته است. ادعای این سخن آنکه دانیل بلمار - دادستان دادگاه رسیدگی به پرونده ترور حریری - صدور کيفرخواست جدیدی را علیه افراد دیگری در این پرونده بعید ندانست.

اکنون که دادگاه حریری کيفرخواست اولیه خود را صادر کرده، این سوال پیش می آید که سناریوهای بعد از این ترور در لبنان چیست و طراحان آن چه اهدافی را برای وادار کردن دولت جدید به قبول خواسته هایشان دنبال می کنند. به نظر می رسد که غربی ها سه راهبرد را در این زمینه در پیش خواهند گرفت:

۱) دولت و ارتش لبنان را مجبور کنند افراد متهم را دستگیر کند که این امر زمینه درگیری و جنگ داخلی را شعله ور خواهد کرد و احتمال وقوع این سناریو بسیار ضعیف است ولی زمینه لازم آن وجود دارد.

۲) سناریوی دوم این است که دولت لبنان اعلام کند که چنین اشخاصی وجود خارجی ندارند که این امر زمینه فشارهای تبلیغاتی و سیاسی را علیه دولت فراهم خواهد کرد و دخالت اینترپل را نیز در پی خواهد داشت.

۳) دولت لبنان اعلام کند که حکم را قبول ندارد و در واقع روند بررسی آن را زیر سوال ببرد؛ اقدامی که در بیانیه وزارت «بیانیه کاری» به آن اشاره شد. در بیانیه وزارتتی دولت جدید لبنان آمده است «دولت لبنان در باره دادگاه حریری نیز مصوب کرد که تمایل زیادی به آشکار شدن حقیقت در این باره دارد و روند آن را که در اصل برای تحقق «عدالت و به دور از سیاسی کاری یا انتقام گیری» تاسیس شده است، دنبال می کند.» در صورت پافشاری دولت میقاتی بر این موضع، به احتمال زیاد دولت این کشور با فشارهای سیاسی و اقتصادی مواجه خواهد شد و احتمال اینکه غرب به این گزینه برای وادار کردن دولت متوسل شود بیشتر از گزینه های دیگر است. به هر حال باید دید طراحان ترور حریری به کدام یک از سناریوهای فوق متوسل می شوند تا به اهداف مورد نظر خود در تضعیف مقاومت در لبنان در راستای حمایت از متحدانشان در منطقه دست یابند. گذشت زمان بیش از پیش پرده از این سناریوی غرب بر خواهد داشت.

سید حسن نصرالله
تایستان سال
گذشته از توطئه
مشترک آمریکا و
رژیم صهیونیستی
پرده برداشت و
اعلام کرد که آمریکا
پس از متهم کردن
سوریه و خارج کردن
آن از لبنان با هدف
نابودی حزب الله
اکنون انگشت اتهام
را به سوی اعضای
حزب الله، گرفته تا
مسئولیت ترور را
به عهده حزب الله
بیندازد. نصرالله
مهم ترین هدف
دادگاه را ایجاد فتنه
یا جنگ داخلی میان
شیعه و سنی دانست

طرح این اتهامات مدل فکری - سیاسی مقاومت را هدف قرار دهند و این طور القا کنند که حزب الله برای پیشبرد اهداف سیاسی خود به ترور متوسل می شود. در واقع آنها جایگاه و اعتبار حزب الله را در لبنان و منطقه هدف قرار دادند تا این جایگاه را زیر سوال ببرند.

اندکی تأمل در حوادث منطقه بعد از ترور رفیق حریری نشان می دهد که این ترور بیش از همه اهداف آمریکا و رژیم صهیونیستی را در منطقه تأمین کرده است و سوریه و حزب الله بیشترین ضرر را از این جنایت متحمل شدند.

تبری میسان - تحلیلگر و خبرنگار فرانسوی - نوامبر سال گذشته با افشای اینکه رژیم صهیونیستی با هواپیمای بدون سرنشین و با موشک، نخست وزیر لبنان را ترور کرد، فاش کرد که این ترور با موشک ساخت آلمان و با اجرای رژیم صهیونیستی و نظارت و حمایت آمریکا انجام شد.

از همین رو بود که سید حسن نصرالله - دبیر کل حزب الله لبنان - تابستان سال گذشته پیشدستی کرد و از این توطئه مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی پرده برداشت و اعلام کرد که آمریکا پس از متهم کردن سوریه و خارج کردن آن از لبنان با هدف نابودی حزب الله اکنون انگشت اتهام را به سوی اعضای حزب الله، گرفته تا مسئولیت ترور را به عهده حزب الله بیندازد. نصرالله مهم ترین هدف دادگاه را ایجاد فتنه یا جنگ داخلی میان شیعه و سنی دانست.

با اندکی تأمل در روند تحولات این پرونده، برنامه ریزی دقیق و از پیش تعیین شده آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مرحله بعد از این ترور کاملاً

اتهام به حزب الله دنبال می کنند؟ به عقیده تحلیلگران، هدف اصلی طراحان این ترور خلع سلاح مقاومت است. وین مدیسون - روزنامه نگار معروف آمریکایی - معتقد است ترور حریری چاشنی انفجاری بود که شرایط لازم برای بحرانی کردن اوضاع لبنان، یورش به سوریه و در نهایت خلاص شدن از دست مقاومت و در راس آن حزب الله را فراهم می کند.

از نگاه تحلیلگران مسائل لبنان، شکست از حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و انتقام از مقاومت از دلایل اصلی متهم کردن حزب الله به دخالت در این ترور بود. رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ جنگ تمام عیاری را علیه حزب الله که از پایگاه منطقه ای و مردمی در لبنان برخوردار بود، آغاز کرد. بهانه این جنگ آزاد کردن دو نظامی بود ولی هدف عمده این رژیم از به راه انداختن این جنگ، خلع سلاح مقاومت بود. اما صهیونیست ها در این جنگ به هیچ یک از اهداف از پیش تعیین شده خود نرسیدند.

بنابراین بعد از جنگ، رژیم صهیونیستی خلع سلاح مقاومت را در دستور کار خود قرار داد. آمریکا از جریان ۱۴ مارس که از هم پیمانان خود در لبنان بود خواسته بود تا با اصرار موضوع خلع سلاح حزب الله را همواره روی میز نگه دارند و از این طریق حزب الله را تحت فشار قرار دهند. در عرصه بین الملل نیز قطعنامه ۱۷۰۱ که از سوی آمریکا و فرانسه در شورای امنیت ارائه و با اجماع اعضای آن تصویب شد، بندی در خصوص اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ داشت که یکی از مهم ترین مفاد آن خلع سلاح گروه های شبه نظامی در لبنان بود.

به نظر کارشناسان مسائل لبنان، آنها در تلاشند با





شبکه المنار، بازوی رسانه‌های حزب الله

پیام آور پیروزی

▲ حامد نعمت‌اللهی ▲

حزب الله لبنان از ابتدای تشکیل به عنوان اصلی‌ترین بازوی مقاومت اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی، نگاه بسیار جدی نسبت به رسانه‌های مختلف به عنوان ابزار رساندن پیام داشت. در کنار سرودهای حماسی‌ای که ساخته می‌شد، آنها با ضبط تصاویر عملیات‌های خود، هم امکان تکذیب موفقیت‌هایشان توسط صهیونیست‌ها را از بین می‌بردند و هم ضربه‌های شدید به روحیه دشمن وارد می‌کردند. در این مطلب به معرفی شبکه‌ای می‌پردازیم که برای دوستان، پیام آور پیروزی‌ها و موفقیت‌های مقاومت اسلامی است و در میان دشمن - حتی مقامات بلندپایه صهیونیستی - دارای جایگاه خاصی است.

▲ المنار و جنگ ۳۳ روزه

نیروی هوایی رژیم صهیونیستی، ساختمان‌های المنار را روز پنجشنبه ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۶ (۲۲ تیر ۱۳۸۵) بمباران کرد. قبل از حمله به تاسیسات شبکه، صبح همان روز، جنگنده‌ها فرودگاه بین‌المللی رفیق حریری بیروت را مورد هدف قرار داده بودند. با وجود حمله، شبکه به پخش خود از مکان نامعلومی ادامه داد. سه روز بعد هم رژیم صهیونیستی مجدداً دفتر مرکزی المنار در بیروت و ساختمان‌های اطراف را بمباران کرد. اما در این حملات، پخش تنها دو دقیقه متوقف شد.

طبق نظر سازمان «دیده‌بان حقوق بشر»، بمباران تاسیسات رسانه‌ای که استفاده نظامی ندارند، برخلاف قوانین بین‌الملل است. به همین دلیل بود که از این منظر نیز با خاک یکسان شدن ساختمان شبکه، جنجال به پا کرد.

«اتحادیه بین‌الملل خبرنگاران» این عمل را محکوم کرد. به دلیل همین انتقاد بود که اتحادیه خبرنگاران رژیم صهیونیستی از آن کناره‌گیری کرد و مدعی شد که کارمندان المنار «خبرنگار نیستند، تروریستند!»

«کمیته حفاظت از خبرنگاران» که مقرش در نیویورک است، نگرانی خود را از ماجرا اعلام کرد و با استناد با مونیوتورینگ این شبکه، اتهامات صهیونیست‌ها را درباره کارکرد نظامی شبکه مردود دانست. ▲

▲ پخش ماهواره‌ای

در دهه ۹۰ میلادی، محبوبیت پخش ماهواره‌ای در دنیای عرب و لبنان افزایش خیره‌کننده‌ای یافت. «فیوچر تی‌وی» در سال ۱۹۹۴، پیشگام استفاده از این فناوری در لبنان شد و ال‌بی‌سی‌ای و دولت لبنان نیز پس از آن اقدام کردند.

برای استفاده از این ابزار جدید، محمد رعد، نماینده برجسته حزب الله، روز ۹ مارس ۲۰۰۰ (۱۹ اسفند ۱۳۷۸)، درخواست المنار را برای پخش ماهواره‌ای به وزارت ارتباطات قدیم ارائه داد که یک ماه بعد پذیرفته شد.

در حالی که قرار بود شبکه از ماه ژوئیه (تیر) به صورت جدید آغاز به کار کند اما با خروج خفت‌بار رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در ۲۵ می (۴ خرداد)، آنها کار را زودتر آغاز کردند.

با وجودی که بارها تلاش شده است که با ایراد اتهامات واهی، آن را از ماهواره عرب‌ست که مقر اصلی آن در عربستان سعودی است، حذف کنند اما امضای توافقنامه‌ای میان دو طرف، مانع از چنین رخدادی شد. به این ترتیب پخش شبکه المنار از این ماهواره ادامه یافت.

در حالی که در ابتدا برنامه‌های که از ماهواره پخش می‌شد، همان برنامه‌های داخلی شبکه بود اما پس از مدتی برنامه‌های ماهواره‌ای تغییر پیدا کرد. پس از آن، ماهواره‌های دیگر هم اقدام به پخش شبکه مقاومت کردند.

۳۳ روزه در نزدیکی دفتر مرکزی حزب الله بود، قرار داشت. در ابتدا شبکه از تعداد کمی افرادی که دارای تحصیلات رسانه‌ای در غرب بودند بهره می‌برد اما تنها یک سال بعد، المنار ۱۵۰ نفر را به استخدام خود درآورد.

المنار کار خود را با پخش پنج ساعت در روز آغاز کرد. در فاصله اندک قبل از انتخابات سال ۱۹۹۲، برنامه‌های خبری که معطوف به گستراندن نظرات حزب الله و جلب آرای مردم بود، اهمیت زیادی یافت. در سال ۱۹۹۳، شبکه ساعت‌های پخش خود را به هفت ساعت در روز افزایش داد و امکان دریافت آن در قسمت‌های جنوبی و دره بقاع فراهم شد. در آستانه انتخابات مجلس لبنان در سال ۱۹۹۶، با نصب آنتن‌های جدید، حوزه دسترسی به شمال لبنان و در خارج به سوریه و شمال سرزمین‌های اشغالی نیز گسترش یافت. ساعت‌های پخش در سال ۱۹۹۸ به ۱۸ ساعت و سال ۲۰۰۰ به ۲۰ ساعت افزایش یافت.

در سال ۱۹۹۶، با تصویب قانونی جدید، دولت لبنان تنها به پنج ایستگاه تلویزیونی مجوز داد که المنار را شامل نمی‌شد. در آن زمان ۵۰ شبکه را مجبور به تعطیلی کردند. بسیاری از آنها به تصمیم دولت اعتراض کردند اما تنها چهار شبکه موفق به گرفتن مجوز شدند که المنار هم جزو آنان بود. این تصمیم در روز ۱۸ سپتامبر (۲۷ شهریور)، توسط کابینه لبنان گرفته شد.

المنار (شعله به عربی) شبکه تلویزیون ماهواره‌ای نزدیک به حزب الله است که تحت عنوان شرکت «Lebanese Media Group Company» به مرکزیت بیروت ثبت شده است. این شبکه از تنوع و غنای برنامه‌های زیادی برخوردار است که از تولید اخبار، تفسیر و سرگرمی تشکیل شده است. المنار که خود را «شبکه مقاومت» (قناه المقاومة) می‌داند یکی از ابزار جنگ روانی علیه صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس است و قسمتی از نقشه حزب الله برای پیام‌رسانی به دنیای عرب محسوب می‌شود.

المنار از سال ۱۹۹۱ راه‌اندازی شد و در سال ۲۰۰۴ برآورد می‌شد که ۱۰ الی ۱۵ میلیون نفر در سراسر جهان بیننده برنامه‌هایش هستند. آمریکا در دسامبر ۲۰۰۴ با استفاده از برجسب تروریسم جهانی، المنار را در کشور خود ممنوع کرد. در فرانسه، اسپانیا و آلمان نیز ممنوع شده است و در هلند، کانادا و استرالیا هم از دسترسی به آن جلوگیری شده است.

▲ تاریخچه

پخش زمینی المنار از روز ۳ ژوئن ۱۹۹۱ (۱۳ خرداد ۱۳۷۰) از بیروت آغاز شد و از سال ۲۰۰۰ شبکه پخش ماهواره‌ای خود را آغاز کرد. مقر اصلی شبکه در حومه جنوبی بیروت و منطقه «حاره حربک» که تحت کنترل شیعیان است و تا قبل از جنگ



نگاه رسانه‌های غربی به فعالیت رسانه‌ای حزب الله

جنگ نتوانست شعله حزب الله را خاموش کند

نوشته Declan Walsh - ترجمه: حامد نعمت‌اللهی

نقش «المنار» در پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. در واقع باید فعالیت‌های رسانه‌ای این شبکه در اطلاع‌رسانی مستمر و حضور پایاپای در کنار رزمندگان حزب الله را تکمیل‌کننده جهاد جهادگران و حتی جهاد در عرصه‌ای مستقل ارزیابی کرد؛ عرصه‌ای که رژیم صهیونیستی خود را در آن یک‌تاز می‌دانست. مقاله منتشر شده در روز چهارم سپتامبر سال ۲۰۰۶ (۳ هفته پس از جنگ) در روزنامه گاردین، به خوبی بیانگر اهمیت شبکه المنار و حتی وحشت رسانه‌های غربی از حضور رقیبی توانمند در میدان است. نگاهی به این مقاله خالی از لطف نیست.

ابراهیم فرحات، فرد جالبی است. وی با افتخار از ایستگاه تلویزیونی که در آن کار می‌کند - المنار، شبکه خصوصی حزب الله - صحبت می‌کند. مشکل این است که نمی‌تواند محل آن را فاش کند. مسؤول سیاهپوش روابط عمومی شبکه با لبخند می‌گوید: «حقیقتاً نمی‌دانم که شبکه از کجا پخش می‌شود.» با همان محرمانه بودن و نظم آهنینی که خود حزب الله از آن برخوردار است، المنار - که همان معنای فانوس را در عربی می‌دهد - در حقیقت به زیر زمین منتقل شده است.

رژیم صهیونیستی در اولین روزهای نبرد اخیر، مقر اصلی این شبکه را با خاک یکسان کرد اما تنها در فاصله چند دقیقه، آنها برنامه‌هایشان را به محل جدیدی منتقل کردند و از آنجا به ادامه پخش برنامه‌هایشان که ترکیبی از اخبار، ادعیه و برنامه‌های تبلیغاتی به نفع حزب الله بود، پرداختند. پس از محل اقامت و کار سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، محل کنونی شبکه مهم‌ترین راز محسوب می‌شود. شایعه‌ای میان مردم بر سر زبان‌هاست که طبق آن، شبکه در پناهگاه بسیار مستحکمی جای گرفته است که به همین دلیل در زمان جنگ آسیب ندید.

با وجود حملات مکرر صهیونیست‌ها به تاسیسات المنار طی ۳۴ روز، پخش شبکه تنها دو دقیقه متوقف شد. آقای فرحات می‌گوید: «بسیار به این مسأله مباحثات می‌کنیم. ایستگاه‌ها یکی از اهداف اصلی بود اما نتوانستند آن را متوقف کنند.»

دولت آمریکا این شبکه را با «ماهیت تروریستی جهانی» دانسته است و ماه گذشته ماموران پلیس فدرال، مسؤول توزیع شبکه‌های ماهواره‌ای را در نیویورک که المنار را به مشترک‌بانش ارائه می‌کرد، بازداشت کردند. فرانسه، اسپانیا و هلند نیز آن را ممنوع کرده‌اند. اما سانسور نتوانسته است که سرعت بالای ضرب نفوذ آن را در خاورمیانه کاهش دهد. بر طبق نظرسنجی آژانس «ایپسوس است»، در اوج نبرد در اواخر ژوئیه، المنار مقام دهم را بین پربیننده‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای دنیای عرب داشت. این در مقایسه با نظرسنجی قبلی که هشتاد و سوم بود، دارای رشد خیره‌کننده‌ای است. یوسف سماحه، سردبیر روزنامه عرب زبان الاخبار می‌گوید: «آنها به خوبی برای شرایط جنگ آماده بودند. چه آنها را دوست داشته باشید و چه نه، باید اعتراف کنید که آنها با جدیت به کارشان می‌پردازند.»

شبکه المنار، قسمتی کلیدی از زرادخانه حزب الله بود. در حالی که رژیم صهیونیستی روستاهای جنوب لبنان را پر از اعلامیه‌هایی کرده بود که به ساکنان هشدار می‌داد اگر فرار نکنند، کشته می‌شوند؛ خبرنگاران المنار گزارش‌هایی از موفقیت‌های حزب الله در خط مقدم و موشک‌های زده شده به شمال سرزمین‌های اشغالی، می‌دادند. علاوه بر این، شبکه نقش بسیار زیادی در افزایش

درخشش سید حسن نصرالله داشته است. بدون شک المنار نقش بسیار زیادی در افزایش محبوبیت این روحانی که رفتاری آرام، باوقار و چهره‌ای بشاش دارد در میان دنیای عرب و اسلام داشته است. در اوج جنگ، سید حسن نصرالله برای بالا بردن روحیه هوادارانش بر روی صفحه شبکه المنار می‌آمد. با فاصله کمی از برقراری آتش‌بس در روز ۱۴ اوت، وی اعلام کرد که «پیروزی راهبردی و تاریخی» ای کسب کرده‌اند و کمک‌های مالی به ۱۵ هزار خانواده‌ای که خانه‌هایشان را از دست داده‌اند، داده خواهد شد.

منتقدان، شبکه را که از سال ۱۹۹۰ آغاز به کار کرده است ابزاری برای تروریسم دانسته‌اند. «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، اتاق فکر محافظه‌کار آمریکایی می‌گوید که المنار مردم را ترغیب به حملات [شهادت‌طلبانه] می‌کند.

در سال ۲۰۰۴، دادگاهی در فرانسه دستور قطع پخش شبکه را به اتهام پخش برنامه‌های ضدیهودی داد. اما این روزها تصویری که شبکه به نمایش می‌گذارد، ملایم‌تر شده است. با وجودی که همچنان سرودهایی که «مقاومت اسلامی» (معادل حزب الله) را تمجید و «شیطان بزرگ» (آمریکا) را محکوم می‌کند اما بیشتر زمانش را مباحثات سیاسی و گزارش‌هایی از روند بازسازی پر کرده است.

آقای فرحات، مدیر روابط عمومی، می‌گوید که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند به دلیل مواضع المنار در طرفداری از فلسطین، چهره شبکه را در غرب تخریب کند. وی می‌گوید: «برنامه‌هایی را درباره حملات انتحاری ندریم، ما تنها بازتاب‌دهنده واقعیت‌ها درباره کارهایی هستیم که صهیونیست‌ها با فلسطینی‌ها انجام می‌دهند. به همین دلیل است که آنها ما را تروریست می‌نامند.»

وی همچنین تک‌بعدی و یک‌جانبه بودن شبکه را تکذیب می‌کند. با وجودی که رسماً حزب الله مالک ۳۰ درصد سهام شبکه است، بقیه سهام تحت کنترل ۵۰ تاجر که برخی مسیحی یا سنی هستند، می‌باشد. وی می‌گوید: «ما تنها از یک فرقه نیستیم، شبکه‌ای متوازن هستیم.»

اما حزب الله از شبکه‌های دیگر غافل نشده است. آقای نصرالله هشت روز پیش مصاحبه مهمی با شبکه رقیب NTV انجام داد. کارشناسان معتقد بودند که هدفش گسترش دامنه دعوت حزب الله به لبنانی‌های غیر شیعه بوده است.

برنامه‌های المنار از این هفته باز سرگیری برنامه‌های کودک و ورزشی، به حالت عادی خود باز می‌گردد. در همین حال، بیشتر ۲۰ نفر کارمند - که ۷۰ نفر آنها خبرنگارند - همچنان در دفترهای پراکنده کار خواهند کرد؛ بدون آنکه بدانند دفتر اصلی کجاست. آقای فرحات شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید: «هدف محسوب می‌شویم، ما را در فهرست تروریست‌ها قرار داده‌اند، پس این اقدامات ضروری است اما انشاءالله به پایان خوشی می‌رسد.»



جنگ رژیم صهیونیستی با حزب الله محدود به میدان جنگ نبود

۳۳ روز جنگ روانی

در طول جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب الله لبنان «جنگ روانی» یکی از مؤلفه‌هایی بود که چه حزب الله و چه رژیم صهیونیستی سعی می‌کردند به بهترین وجه از آن استفاده کنند. با اینکه دستگاه تبلیغاتی و امکانات صهیونیست‌ها به مراتب قوی‌تر از حزب الله بود و از جنبه حمایتی بهتری هم در زمینه رسانه‌های برخوردار بودند، اما همین رسانه‌ها با نزدیک شدن به پایان جنگ و نگاه به وضعیت آشفته ارتش رژیم صهیونیستی، به طور عجیبی مواضع‌شان به سوی دیگری چرخید و به تمجید از مقاومت دلیرمردان حزب الله پرداختند. این نوشته با اشاره به اتفاقات رخ داده در هر کدام از روزهای جنگ، نیم‌نگاهی نیز به عملیات روانی به کار گرفته شده از سوی رسانه‌های رژیم صهیونیستی و عکس‌العمل‌های حزب الله و دبیرکل هوشمند آن دارد.

نخستین روز نبرد
چهارشنبه ۱۲ جولای ۲۰۰۶ میلادی
گردوخاک اساسی حزب الله

«گولد فاسر و السداد ریغیف دو سرباز رژیم صهیونیستی در عملیاتی به نام وعده صادق به اسارت نیروهای حزب الله درآمدند.» این خبری است که المنار با پخش آن چنان حالی از اخبار گوهایی رژیم صهیونیستی می‌گیرد که غیر از تایید خبر هیچ راه حلی را در جلوی خود نمی‌بینند. دستگیری این دو سرباز که در پاسخ به دست‌اندازی‌های صهیونیست‌ها در گروگان‌گیری لبنانی‌های مرز نشین و تعرض‌های بیش از حد به حدود لبنان و نقض حریم هوایی این کشور بود، بهانه‌ای می‌شود برای سران رژیم صهیونیستی تا نقشه شومی را که سال‌ها در سر می‌پروراندند بالاخره اجرایی کنند. برای شروع لازم بود تمامی رسانه‌هایی که به نحوی با حزب الله مشکل دارند چه عربی و چه غربی هماهنگ شوند و به طور حساب شده‌ای وارد عمل گردند. در اولین برهه حزب الله را عامل شروع جنگ دانستند و در مرحله بعد همگی برای نابودی آن سنگ تمام گذاشتند. ارتش صهیونیستی با انجام ۵۵ مورد حمله در همان ساعات ابتدایی از زمین و دریا و هوا جنوب لبنان را زیر آتش توپخانه خود قرار می‌دهد و از برخی

منازل مسکونی جز تلی از خاک که در زیر آن زنان و کودکان بی‌پناه جای گرفته بودند چیزی باقی نمی‌ماند. رسانه‌های بنی صهیون هم با ترویج این تفکر که هدف، وسیله و عمل را در این جنگ توجیه می‌کند از نیروهای شیطان پشتیبانی می‌کردند.

روز دوم اولین شلیک سیدحسن

رژیم صهیونیستی تمام توان خود را گذاشته بود تا از انتقال نظامیان دستگیر شده‌اش به داخل خاک لبنان جلوگیری کند اما کار از کار گذشته بود. حزب الله دو اسیر نظامی را به مکانی امن منتقل کرد و تلاش‌های دشمن را ناکام گذاشت. صهیونیست‌ها هم که حسابی از این سرعت عمل نیروهای مقاومت حیران شده بودند اقدام به بمباران مراکز زیربنایی لبنان کردند. همین حرکت آنها باعث شد تا رزمندگان حزب الله با آغاز موشک‌باران گسترده خود موجی از وحشت را بر ساکنان رژیم صهیونیستی مستولی کنند. اقدام بعدی صهیونیست‌ها ورود به خاک لبنان از طریق زمین بود که مقاومتین با انهدام یک تانک و خودروی دشمن به آنان گوشزد کردند که هر عملی عکس‌العملی را به دنبال خواهد داشت. داد رئیس‌جمهور یانکی‌ها درمی‌آید. جورج دبلیو بوش دیگر نمی‌تواند خود را کنترل کند: «حمله

نابود می‌کنم
پس هستم

«حزب الله را نابود خواهیم کرد». این جمله‌ای بود که در طول جنگ ۲۳ روزه بارها و بارها از زبان مسوولان رژیم صهیونیستی و رسانه‌های شان شنیده شد و با چنان غروری هم این کلمات را به زبان می‌آوردند که گویی تابستان داغ سال ۲۰۰۶ آخرین فصلی است که یاران حزب الله به چشم خود خواهند دید! اما کمی از جنگ نگذشته بود که لحن شان ملایم‌تر شد و حالا مجبور بودند جبهه مقابل را نیز حریف قدری محسوب کنند. با گذشت یک ماه از جنگ، تیتراژ رسانه‌های جهان چیزی غیر از آن بود که در شروع نبرد بر آن پافشاری می‌کردند. مقاومت و مبارزه حزب الله توانسته بودند با تاکتیک‌های پیچیده خود که از یک فرماندهی زیرک نشأت می‌گرفت، تمامی معادلات دشمن و حامیان شیطانی‌اش را برهم زنند و پاسخ زیاده خواهی صهیونیست‌ها را به بهترین نحو بدهند.

معنای واقعی جنگ و وحشت را فهمیدند. اما در این روز سخن نماینده حزب الله در ایران خطاب به کسانی که از پایان این حزب می‌گفتند بسیار جالب بود. صفی‌الدین در صحبت‌هایی اعلام کرد: «حتی برای نبرد صد ساله با صهیونیست‌ها آماده‌ایم.»

روزهای نهم و دهم
ماجراجویی‌های سید و یارانش

این دو روز روزهای قدرت‌نمایی دبیر کل حزب الله بود. بعد از آنکه رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند «سید حسن نصرالله و رهبران بلند پایه حزب الله را در بمباران مسجدهای در برج البراجنه نابود کردیم!» دبیر کل حزب الله با ظاهر شدن در صفحه تلویزیون المنار و همچنین مصاحبه با شبکه تلویزیونی الجزیره، صهیونیست‌ها را حیران خود کرد. او گفت: «ما چون گذشته به خدا، ملت و مبارزان پایدار خویش تکیه داریم و ماجراجویی‌هایمان همواره مایه پیروزی و سر بلندی مردم لبنان بوده است.»

همین شد که بی‌بی‌سی، در گزارشی سید حسن نصرالله را نماد مبارزه با رژیم صهیونیستی خواند و لس آنجلس تایمز هم با ستایش رهبر حزب الله، حساب او را از شیوخ بزدل عرب جدا دانست. روزنامه القدس العربی نیز با اشاره به جنگ روانی نصرالله و محبوبیتش در فلسطین نوشت: «نصرالله به قهرمان بلامنارح در بین فلسطینی‌ها تبدیل شده است.» آحارنوت چاپ رژیم صهیونیستی هم سید حسن نصرالله را پیروز اصلی میدان نبرد معرفی کرد.

روزهای یازدهم تا چهاردهم
کلافگی صهیونیست‌ها

عمده فعالیت صهیونیست‌ها در این چهار روز تلاش برای نفوذ زمینی به مناطق جنوب لبنان بود که با مقاومت نیروهای حزب الله مواجه شدند و چیزی جز کشته و زخمی شدن افراد و نابودی تانک‌های مرکاوا حاصلی برایشان نداشت. ضمن اینکه حملات موشکی حزب الله، سران رژیم صهیونیستی را به شدت زیر فشار گذاشته بود. طوری که یکی از آنها اعتراف کرد نمی‌توانیم حملات موشکی حزب الله را متوقف کنیم. هآرتس در مطلبی نوشت: «بیمی از ساکنان شمال رژیم صهیونیستی فرار کرده‌اند.» با این وجود رایس، بولتون و دیگر مقامات کاخ سفید خواستار افزایش فشار صهیونیست‌ها در جبهه زمینی شده بودند. ساعاتی از این تقاضا نگذشته بود که «جینز دینس» از مجلات مرجع نظامی جهان در مطلبی نوشت: «حزب الله با تاکتیک‌های ویت‌کنگ‌ها جنوب لبنان را به ویتنام ارتش رژیم صهیونیستی تبدیل کرده است.» دن حاتسور از افسران بلند پایه صهیونیستی هم بیان داشت: «خونسردی، اعتماد به نفس و تاکتیک پذیری فرماندهان و نیروهای حزب الله ما را کلافه کرده است.»

سید حسن نصرالله به طور زنده از تلویزیون المنار اعلام کرد «به ساحل بیروت بنگرید تا چند دقیقه دیگر، یک ناوچه مدرن صهیونیستی را به قعر آب خواهیم فرستاد.» و چند دقیقه بعد مردم به طور زنده شاهد انفجار ناو جنگی پیشرفته ساعر ۵ بودند.

برنامه‌های این شبکه که در خط مقدم جبهه جنگ قرار داشت، جالب آنکه با وجود تخریب کامل ساختمان المنار، برنامه‌های این شبکه تنها دو دقیقه قطع شد و در طول جنگ هیچ‌گاه دشمن نتوانست آن را از کار بپندازد و همین امر کلافگی صهیونیست‌ها را دو چندان می‌کرد.

ششمین روز از گیری‌ها
شهر ارواح

با وجود رست‌های تبلیغاتی صهیونیست‌ها، حزب الله حیفا را زیر هجوم گسترده موشک‌های خود قرار می‌دهد. وضعیت طوری می‌شود که خبرگزاری فرانسه در خبری کوتاه می‌گوید: «حیفا در عرض چند ساعت به شهر ارواح تبدیل شد.» شهرهای شمالی مناطق اشغالی در سیطره موشک‌های مقاومین است و هر لحظه صدای انفجار مهیبی در یکی از این شهرها به گوش می‌رسد. کوچ اجباری ساکنان رژیم صهیونیستی کابوس جدید مقامات این رژیم شده است.

روز هفتم
دود شدن اولین مرکاوا

نیروهای صهیونیست در این روز علاوه بر انجام اقدامات نظامی سعی کردند با پخش اعلامیه‌هایی برای مردم لبنان از طریق هواپیما، شخصیت دبیر کل حزب الله را تخریب کنند. در داخل مناطق اشغالی هم تا جایی که توانستند از انعکاس عملیات‌های حزب الله جلوگیری می‌کردند. حزب الله نیز ضمن انجام یک سری عملیات‌های خاص همچون اسقاط دو بالن رژیم صهیونیستی در منطقه بقاع، با استفاده از موشک‌های ضد هوایی برای نخستین بار و افزایش بُرد موشک‌هایش، نمایشی دیگر از قدرت نظامی و روانی خود را به منصفه ظهور گذاشت. عجیب اینکه اولمرت هنوز بر حرف اولیه خودش باقی مانده: «می‌خواهیم با نابودی حزب الله کار را یکسره کنیم!» انهدام اولین تانک مرکاوا از سوی رزمندگان مقاومت کمی از آتش تند نخست‌وزیر صهیونیست‌ها را می‌کاهد.

هشتمین روز
جنگ لفظی

در روز هشتم نبرد با تمام فراز و نشیب‌های نظامی‌اش، این صحبت‌های افراد دو طرف بود که نگاه رسانه‌ها را به خود معطوف کرد. رئیس دستگاه امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در یک عقب‌نشینی آشکار گفت: «ما باید برای انجام مذاکرات در خصوص زندانیان لبنان و خود با حزب الله مذاکره کنیم.» اولمرت نیز در مصاحبه‌ای مدعی شد ایران جنگ بین لبنان و دولتش را به راه انداخته است. یکی از خبرگزاری‌های غربی نیز گفت: «با ادامه موشک‌باران حزب الله، صهیونیست‌ها اولین بار

صهیونیست‌ها به لبنان مصداق دفاع از خود است.» سید حسن نصرالله اولین گلوله روانی را شلیک می‌کند: «اگر رژیم صهیونیستی تصور می‌کند با حمله به لبنان می‌تواند دو نظامی را پس بگیرد، دچار تصویری کاملاً پوچ شده است.»

روز سوم نبرد
دفاع جنبلات از حزب الله

صهیونیست‌ها همچنان مراکز حساس لبنان را بمباران می‌کنند. حزب الله هم حملات را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. در جبهه روانی وزیر دولت غاصب صهیونیستی سید حسن نصرالله را تهدید به ترور می‌کند و رسانه‌هایشان سعی در ایجاد اختلاف بین حزب الله و سایر سیاسیون بزرگ و گروه‌های لبنانی دارند. دفاع ولید جنبلات رهبر دروزی‌ها و رئیس حزب کرونیث لبنان - که در زمره اعضای گروه ۱۴ مارس قرار داشت - از حزب الله تعجب همگان را به دنبال دارد.

چهارمین روز
صاعقه بر ناوچه ساعر

آغاز هنر‌نمایی حزب الله در جنگ فیزیکی و روانی در این روز رقم می‌خورد. بعد از آنکه سخنگوی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی اعلام کرد که آماده جنگ طولانی شده‌ایم تا کار حزب الله را تمام کنیم و اولمرت و شیمون پرز هم هر کدام جداگانه پایان جنگ را منوط به آزادی اسرای شان دانستند و ۶۰۰ نیروی تازه نفس را به شمال فلسطین اشغالی اعزام کردند. حزب الله با انهدام یک ناوچه جنگی به نام ساعر ۵ - که سید حسن نصرالله به طور زنده آن را از تلویزیون المنار اعلام کرده و گفته بود «به ساحل بیروت بنگرید تا چند دقیقه دیگر، یک ناوچه مدرن صهیونیستی را به قعر آب خواهیم فرستاد» و نابودی یک پایگاه نظامی در شمال مناطق اشغالی، مشت محکمی بر دهان مسوولان کلینیه رژیم صهیونیستی زد. آمار از کشته شدن هشت صهیونیست و زخمی شدن ۲۵ نفر از آنان حکایت می‌کند اما احتمالاً واقعیت چیز دیگری بود. مگر می‌شود در یک ناوچه جنگی که به قعر آب‌ها رفت تنها هشت نفر کشته شده باشند!؟

پنجمین روز نبرد
بعد دقتین

رژیم صهیونیستی با حملات مداوم، جنوب لبنان را هدف قرار داده و از سلاح‌های غیر متعارف استفاده می‌کند. حیفا و کارخانه پتروشیمی آن از سوی حزب الله تهدید به موشک‌باران می‌شوند. صهیونیست‌ها سامانه ضد موشک‌های خود را در حیفا مستقر می‌کنند و شایعه زخمی شدن نصرالله را رواج می‌دهند. یکی از مهم‌ترین عملیات‌های صهیونیست‌ها در این روز، تخریب ساختمان المنار بود برای قطع

موافق و مخالف

در جریان جنگ ۳۳ روزه گروه‌های مقاومت حماس و جهاد اسلامی با حمایت از اقدامات حزب الله، در کنار ایران، سوریه، ونزوئلا و حامیان حزب الله پیوستند و به تجدید از عملیات وعده صادق پرداختند. گرچه دولت‌های غربی عملاً از رژیم صهیونیستی حمایت و پشتیبانی می‌کردند اما مردم و افکار عمومی ساکن در غرب، مطالبات دیگری داشتند و علناً با عملکرد و موضع گیری‌های دولت‌هایشان مخالف بودند.

نصرالله بار دیگر در یک پیام تلویزیونی گفت: «حزب‌الله هنوز چیزی از قدرت خود را نشان نداده است.»

روزهای پانزده تا هفدهم نبرد ما بعد حيفا

بعد از آنکه دبیرکل حزب‌الله در پیامی عنوان کرد موشک‌باران فراتر از حيفا را آغاز می‌کنیم و به این گفته خود نیز جامه عمل پوشانید، ساکنین مناطق اشغالی به طور واضح شبح مرگ را بالای سر خود احساس می‌کردند و هیچ راهی جز پناه گرفتن در اعماق ساختمان‌های خود نداشتند. جالب اینکه آنها هنوز هم نصرالله را راستگوتر از مسوولان خود می‌دانند.

نظامیان صهیونیست نیز که تا بخت جیبیل پیش آمده بودند خود را در بد معرکه‌ای می‌دیدند. تیپ گولانی (ورزیده‌ترین واحد ارتش این رژیم) به معنای واقعی کلمه زمین گیر شده بود. تا حدی که هآرتص، بنت جیبیل را جهنم ارتش صهیونیستی دانست که حزب‌الله در آن صهیونیست‌ها را خوار کرده است. فیگارو هم بنت جیبیل را استالینگراد کوچک ارتش رژیم صهیونیستی خطاب کرد.

روزهای هجدهم تا بیستم جنگ نابودی ساعر در پاسخ به فاجعه قانا

در هجدهمین روز، ارتش صهیونیستی با حمله هوایی به روستای قانا، ساختمان مقر سازمان ملل را که کودکان، زنان و سالخوردگان به آن پناه برده بودند با خاک یکسان کرد و در یک جنایت هولناک ۶۰ نفر را یک جا به خاک و خون کشید. شوروی امنیت تنها به ابراز تأسف اکتفا کرد. در پی این حادثه که محکومیت جهانی را به دنبال داشت، حزب‌الله در روز بعد و به نشانه انتقام، دومین ناوچه جنگی ساعر را منهدم کرد و بارها و بارها با نابودی تانک‌های مر کاوا، ارتش صهیونیستی را ذلیل کرد.

روزهای بیست و یک تا بیست و سوم دوئل تماشایی دبیرکل

خنثی سازی تاکتیک‌های هلی بورن صهیونیست‌ها، نفوذ به شبکه‌های ارتباطی و سامانه‌های تلفنی ارتش صهیونیستی و مقاومت جانانه در بنت جیبیل آن هم با نیروی کم، از جمله کارهایی بود که در این سه روز حزب‌الله انجام داد و کارشناسان نظامی جهان را به حیرت واداشت. صهیونیست‌ها که هر چه می‌زدند به در بسته می‌خورد اعلام کردند به زودی قلب بیروت را خواهند زد. سیدحسن نصرالله نیز در دوئل دیدنی اعلام کرد: «در صورت چنین کاری، نیروهای مقاومت، تل‌آویو را در زیر موشک‌های خود له خواهند کرد.»

عدم تسلط ارتش صهیونیستی بر رودخانه مرزی لیبانی بعد از ۲۳ روز، خشم رسانه‌های داخلی‌شان را هم درآورد. روزنامه معاریو در تیتراژ اول خود

نوشت: «ما جنگ را باختیم. حزب‌الله پیروز است.» در روز بیست و دوم کابینه رژیم صهیونیستی در جلسه‌ای اعلام کرد کمر موشکی حزب‌الله را شکسته است و توان آنها را به شدت ضعیف کرده. از این گفته‌ها دقایقی نگذشت که موشک‌باران بی سابقه حزب‌الله با پرتاب نزدیک به ۳۰۰ موشک تا عمق ۷۰ کیلومتری مناطق اشغالی، کمر کابینه رژیم صهیونیستی را شکست. شبکه آمریکایی اسکای نیوز در گزارشی از سرزمین‌های اشغالی از شیوع نوعی بیماری ناشی از وحشت در این مناطق خبر داد. روزنامه هآرتص هم نبرد لبنان را ناکام‌ترین جنگ تاریخ صهیونیست‌ها عنوان کرد.

روزهای بیست و چهارم تا بیست و هشتم موج ناامیدی در بنی صهیون

این چند روز طوری رقم خورد که ایندیندنت نوشت: «شاید برخی سسران عرب هنوز از صهیونیست‌ها می‌ترسند اما حزب‌الله ترس ملت‌های عرب را از ارتش صهیونیستی نابود کرد.» الحیات چاپ لندن نیز در مقاله‌ای نوشت: «حزب‌الله با شکست صهیونیست‌ها در تاکتیک و تکنیک، مدل‌ها و تئوری‌های کلاسیک جنگ را زیر سوال برده است.» یدبعوت آحارانوت چاپ تل‌آویو هم بعد از سخنان اولمرت که گفته بود اروپایی‌ها ما را به خاطر کشتار غیرنظامیان سرزنش نکنند چون کشتار کوزوو یادمان نرفته است، نوشت: «اهداف ارتش ما در حمله به لبنان شاید در سال ۲۰۰۶ محقق شود.» در این مدت ارتش صهیونیستی با وجود پشتیبانی زیاد هوایی و دریایی نتوانسته بود به خواسته‌هایش برسد و بیشترین تلفات نظامی را متحمل شده بود و حتی برخی از فرماندهانش نیز توسط نیروهای مقاومت به درک واصل شده بودند. در این میان تیر خلاص رسانه‌ای از هآرتص بار دیگر بر پیکر خودی وارد کرد با این تیتراژ: «دیگر هیچ امیدی به پیروزی نداریم.»

روزهای بیست و نهم تا سی و یکم مرگبارترین روزهای صهیونیست‌ها

رشادت‌های رزمندگان حزب‌الله در این سه روز به حدی رسید که روزنامه معاریو خسارت‌های آن را به گردن رایس در آمریکا انداخت. روتیزر نیز اعلام کرد: «روز سی‌ام حمله به لبنان، مرگبارترین روز برای نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی بود.» روزنامه گاردین انگلیس نیز در مقاله‌ای که نشان از عصبانیت بیش از حد نویسنده آن داشت، نوشت: «قرار بود ارتش صهیونیستی تا سه هفته کار حزب‌الله را یکسره کند اما جز شکست مفتضحانه چیزی نصیبش نشده است.»

روز سی و دوم سیلی سخت حزب‌الله

صهیونیست‌ها با ارسال پیامک‌هایی به لبنانی‌ها

از عملیات تارهای آهنین در بنت جیبیل و نابودی حزب‌الله خبر می‌دادند و این جمله سیدحسن نصرالله که «رژیم صهیونیستی از لانه عنکبوت هم سست‌تر است» را به سخره گرفته بودند. با ده‌ها تانک جنون‌وار به بنت جیبیل حمله کردند. اما جواب حزب‌الله همچون روزهای گذشته قاطعانه بود و هآرتص بار دیگر عنوان کرد: «رژیم صهیونیستی سیلی سختی از حزب‌الله خورد.»

تمامی محافل و تحلیلگران نظامی جهان از انهدام همزمان بیش از ۳۰ تانک مرکاوا در شوک بودند. یکی از خبرگزاری‌ها نوشت: «دشت خیام، گورستان تانک‌هایی است که صهیونیست‌ها به داشتن آن افتخار می‌کردند.»

وزیر دفاع ترکیه نیز بعد از این واقعه قرار داد بزرگ و میلیاردی کشورش با رژیم صهیونیستی را مبنی بر خرید صدها تانک مرکاوا فسخ کرد و گفت: «ترکیه مگس صهیونیستی نمی‌خواهد.»

روز پایانی پیروز نهایی کیست؟

در سی و سومین روز نبرد نیز حزب‌الله با انهدام ۱۴ تانک مرکاوا عملاً صهیونیست‌ها را در نبرد زمینی ناکام گذاشت تا مسوولان‌شان به فکر فرار از معرکه بیفتند. با تلاش مجامع بین‌المللی و دست‌وپا زدن‌های آمریکا و انگلیس در مجمع عمومی سازمان ملل برای نجات رژیم صهیونیستی و با وجود میل باطنی رهبران حزب‌الله که ایرادات اساسی به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل داشتند، قطعنامه ۱۷۰۱ به تصویب رسید و شیپور پایانی جنگ نواخته شد.

اینکه در این ۳۳ روز چه طرفی پیروز نهایی جنگ بود را همگان به خوبی می‌دانند. اعلام گزارش وینوگرا از سوی کمیته تحقیق رژیم صهیونیستی که در آن ۲۰۰ بار از کلمه «شکست صهیونیست‌ها از حزب‌الله» استفاده شده بود، برای مشخص کردن پیروز نهایی کافی است.

بد نیست در روز پایانی جنگ نیز نگاهی به این چند تیتراژ رسانه‌های غربی که در آغاز حامی صهیونیست‌ها بودند داشته باشیم:

- نیویورک تایمز، چاپ آمریکا: حزب‌الله لبنان با صهیونیست‌ها کاری کرد که مجموعه ارتش‌های عربی تاکنون نتوانسته بودند.
 - گاردین، چاپ انگلیس: شکست رژیم صهیونیستی را به هیچ طریقی نمی‌توان پنهان کرد.
 - کرونیکل، چاپ آمریکا: بوش و رایس با موافقت اجباری با آتش‌بس، رژیم صهیونیستی را از معرکه مرگبار لبنان و حزب‌الله نجات دادند.
- همه این سه تیتراژ در این روز یک طرف، اعتراف وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در خصوص توان حزب‌الله طرف دیگر:

«باید بگویم هیچ ارتشی در جهان توانایی خلع سلاح حزب‌الله را ندارد.»

صهیونیست‌ها با

ارسال پیامک‌هایی به

لبنانی‌ها از عملیات

تارهای آهنین در

بنت جیبیل و نابودی

حزب‌الله خبر

می‌دادند و این جمله

سیدحسن نصرالله که

«رژیم صهیونیستی

از لانه عنکبوت هم

سست‌تر است»

را به سخره گرفته

بودند. اما جواب

حزب‌الله قاطعانه

بود و هآرتص بار

دیگر عنوان کرد:

«رژیم صهیونیستی

سیلی سختی از

حزب‌الله خورد»